



نقد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آراء فرهنگی مقام معظم رهبری (مطالعه موردی برنامه‌های ۴ تا ۶ توسعه)

محمدحسن دیزجی^۱، عزیز جوانپور هروی^۲، احسان شاکری خوبی^۳، پرویز احدی^۴، مهران صمدی^۵

چکیده:

مهمترین شاخص‌ها برنامه‌های کلان ج.ا. برای پیشرفت کشور برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است، و در این شاخص‌ها فرهنگ یکی از محورها و اهداف اساسی در انقلاب اسلامی از بدو تاسیس آن بوده، لذا می‌توان سنجش برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از نظر میزان تأثیرپذیری از شاخص‌های فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی را در تدوین آنها در نظر گرفت، در این مطالعه تلاش شده ابتداء خلاصه‌ای از برنامه‌های فرهنگی (اسناد بالادستی فرهنگی) چهارم تا ششم توسعه را همراه با نظرات و دیدگاه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری در این خصوص را احصاء و سپس مطابقت داده شوند، در این راستا از روش‌های مختلف در جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل و تبیین آنها استفاده شده است. اما روش محوری این تحقیق رویکرد کیفی بوده است. در نتیجه یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در دولت‌های مختلف متفاوت بوده‌اند و ارزیابی‌ها و خروجی آنها نشان می‌دهد این سیاست‌گذاری‌ها در بعضی از دولت‌ها عملکردهای ضعیفی از خود باقی گذاشته‌اند و لذا مقوله فرهنگ در ج.ا. باید زیر نظر ولی فقیه و با مشارکت کامل مردم که به سنت‌ها و آداب رسوم احترام کامل دارند انجام شود و تمامی دستگاه‌های کشور متولی مسایل فرهنگ و تمامی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در ارتباط با فرهنگ و سیاست فرهنگی نیز، هماهنگ، منسجم و بدون تزاخم و تعارضی با یکدیگر قرار گیرند و به خصوص حاکمیت متولیان فرهنگی نیز با ترکیبی از رویکردهای حمایتی، ضمانتی، نظارتی، و اقتضایی را مد نظر خود قرار دهند تا منجر به افزایش مشارکت مردم و افزایش بازدهی سیاست‌گذاری‌ها در مسایل فرهنگی شود.

واژگان اصلی: سیاست‌گذاری، فرهنگ، مقام معظم رهبری، اسناد بالادستی، توسعه.

۱. دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
a.javanpor@iaut.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۴. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۵. استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که عمدتاً تحت تاثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاصل شد. برای اولین بار در تاریخ ایران مفاهیم دینی اسلام و مردم سالاری دینی به صورت نهادی و حاکمیتی دینی در جامعه با هدایت رهبران دینی مذهبی شکل گرفت و منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ایران سال ۱۳۵۷ گردید. و مردم ایران علاوه بر استقلال سیاسی به استقلال همه جانبه دینی و اقتصادی و اجتماعی غیره، از جمله به استقلال فرهنگی دست یافتند و نخبگان ملت متشکل از حوزویان، دانشگاهیان و سیاستمداران قانون اساسی مدونی، به نام جمهوری اسلامی ایران را تدوین کردند و به این صورت انقلاب اسلامی ایران ابعاد مختلفی همچون فرهنگی - اجتماعی سیاسی و اقتصادی به خود گرفت و در مراحل آغازین انقلاب، بیشتر در حوزه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی نمود پیدا کرد.

و لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و شالوده سیاست فرهنگی نوین کشور در قانون اساسی پی ریزی شد و سپس شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی سیاست های فرهنگی کشور را تدوین کردند که منجر به شکل گیری "اسناد بالادستی" گردید به طوری که در هر حوزه می توان به آنها (اسناد بالادستی) آن حوزه استناد کرد. اما برخی اسناد بالادستی مهمی وجود دارد که با همت کارشناسان و نخبگان و مسئولان نظام تهیه شده است، و گنجانده شدن این اسناد بالادستی در سیاستهای فرهنگی بصورت کلان و گسترده در ج.ا.ا مبین اهمیت و توجه به فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی را می رساند.

در این میان به چندین برنامه پنج ساله توسعه ای در موضوع های مختلف از جمله موضوع مهم فرهنگ می توان اشاره کرد. که از بدو شکل گیری نظام ج.ا.ا تا به امروز شش تا برنامه پنج ساله را پشت سر گذاشته ایم. پژوهش حاضر با عنوان: نقد سیاستگذاری های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آراء فرهنگی مقام معظم رهبری (مطالعه موردی برنامه های ۴ تا ۶ توسعه). اختصاص دارد.

با آگاهی به این که این اسناد و برنامه ها باید پس از تدوین به تائید مقام رهبری نیز برسد، این سوال طرح شده است. که "سیاست گذاری برنامه های فرهنگی چهارم تا ششم توسعه نظام ج.ا.ا. چقدر براساس دیدگاههای مقام معظم رهبری مطابقت داشته است؟" پرداخته و در مقام پاسخگویی به سوال فوق این فرضیه مورد آزمون قرار گرفته "با توجه به اسناد پنج ساله ای مورد نظر توسعه ای بالادستی بخش فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در مرحله اجرا در برخی از این

برنامه ها و سیاستگذاریها تناسب بیشتری با آراء فرهنگی مقام معظم رهبری داشته و در برخی از برنامه ها با آراء فرهنگی رهبری فاصله زیادی داشته است". لذا نگارنده طبق سوال و فرضیه فوق به احصاء اسناد بالادستی پنج ساله های یاد شده ی توسعه در خصوص فرهنگ و سیاستگذاری آن همراه با آراء و دیدگاه های مقام رهبری در این خصوص مبادرت کرده و تا هر دو را باهم مطابقت داده و در پایان به تجزیه و تحلیل داده ها پردازد. تا که قبول افتد و در نظر آید.

تعریف مفاهیم

سیاستگذاری عمومی^۱

فلیپ برود آستاد علوم سیاسی دانشگاه سوربن اعتقاد دارد «سیاستگذاری های عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) است و آنها را می توان به عنوان مجموعه هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال در نظر گرفت که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین المللی هستند (برود، ۱۹۹۸، به نقل از وحید، ۱۳۸۰: ۱۸۶). و فاضلی هم در تائید این سبک از سیاست فرهنگی می گوید: به هر حال هر کشوری یک سیاست فرهنگی خاصی را دنبال می کند و این واقعیتی است که اخیرا به نحو چشم گیری شکل گرفته و جزء پیامدهای جانبی جنبش های سیاسی و اجتماعی قرن بیستم به شمار می رود. از این رو باید به مسئله اندازه و نوع مداخله دولت در فرهنگ پرداخت که میزان دخالت دولت در فرهنگ به نوع ایدولوژی هر حکومت بستگی دارد (فاضلی، علیرضا: ۱۳۸۶).

و در نهایت «تصمیمات و سیاست هایی که بواسطه مراجعه مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه که حافظان منافع عمومی در جامعه می باشند، اتخاذ می گردد دولت در مفهوم کلی آن، نهاد قانونی برای خط مشی گذاری عمومی است و به صور مختلف مانند وضع قوانین، ضابطه ها و مقررات به تعیین خط مشی عمومی می پردازد» (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۸، ۳).

^۱. Public Policy

^۲. Braud, philip

سیاست‌گذاری فرهنگی^۱

عبارت سیاست‌گذاری فرهنگی در فرهنگ انتشارات علمی سیچ چنین تعریف شده است. پرداختن به نظامندی و مدیریت فرهنگ، به خصوص در نهادهای دولتی است که با تولیدات فرهنگی یا کنترل فرهنگی مواجه می‌باشند که شامل حل مساله فناورانه فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی و قدرت اجتماعی، چه در حوزه تولیدات و چه در حوزه تعریف سمبلیک فرهنگ است (بارکر، ۲۰۰۴، ۴۰). و از دیدگاه ایوبی سیاست‌گذاری فرهنگی اقدام دولت‌ها بر اساس خط و مشی روشن، برای پیاده کردن اهداف و فلسفه‌ای از پیش تعیین شده در امور فرهنگی است (ایوبی، ۱۳۸۸، ۱۶). سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند از سطحی ملی نیز برخوردار شود زیرا به عنوان ادامه سیاست با ابزار فرهنگی تلقی می‌شود چنان‌که (یونسکو در سند کنفرانس جهانی سیاست‌گذاری فرهنگی "مشکلات و چشم‌اندازها" مکزیکوسیتی ۱۹۸۲) بر این نکته تأکید دارد.

«همانطور که دولت‌ها برای اقتصاد، علم، آموزش و پرورش و رفاه سیاست‌گذاری میکنند در مورد فرهنگ نیز باید سیاست‌هایی را طراحی نمایند.» (اجالی، ۱۳۷۹، ۵۱).

در مجموع، می‌توان گفت سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (وحید، ۱۳۸۲، ۵۵).

ب) آراء رهبری در حوزه مسایل فرهنگی

۱. تعابیر مقام معظم رهبری از فرهنگ

فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما

۱ Cultural Policy

فرهنگ مستقل اسلامی داریم. (مقام معظم رهبری، ۱۰/۰۱/۱۳۶۹). و در فرمایشات دیگری فرموده اند: فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه‌ی شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند. بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع- کالبد بزرگ انسانی- است. (همان، ۰۷/۰۱/۱۳۸۱). و فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استشاق کرد، با هوایی که استشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه‌ی کارها همه برخاسته‌ی از آن چیزی است که شما استشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه‌ای که در اندامها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد (همان، ۰۴/۰۶/۱۳۸۶).

۲. دغدغه‌های رهبر انقلاب در حوزه‌های فرهنگی

در عرصه فرهنگ، بنده به معنای واقعی کلمه، احساس نگرانی می‌کنم و حقیقتاً دغدغه دارم. این دغدغه، از آن دغدغه‌هایی است که آدمی به خاطر آن، گاهی ممکن است نصف شب هم از خواب بیدار شود و به درگاه پروردگار تضرع کند (بیاناتی در دیدار با هنرمندان و مسئولان فرهنگی، ۱۳۷۳).

رهبر معظم انقلاب و در بیانات دیگرشان، تأکید ویژه‌ای بر مسأله فرهنگی داشته‌اند؛ زاویه‌نگاهی که از آغاز سال «فرهنگ و اقتصاد با رویکرد جهادی» مورد نظر ایشان بوده و حتی ایشان تأکید داشته‌اند که فرهنگ از اقتصاد پراهمیت‌تر است؛ اما مهم‌ترین کلیدواژه‌های سخنان رهبری چه بوده است؟ حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیاناتشان بر نگرانی‌ها نسبت به حوزه فرهنگ تأکید دوباره داشته‌اند؛ مسأله‌ای که منجر به نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم در این باره و تأکید بر پیگیری دقیق منویات رهبری شد، ولی این نامه‌نگاری و برخی تحرکات رضایت‌بخش نبود و مقام معظم رهبری همچنان راهبردهای مهمی را در حوزه فرهنگ یادآور شدند و ظاهراً این تذکر در دیدار ایشان با شعرای جوان نیز تکرار شده است. می‌توان واژه‌هایی چون «شیخون فرهنگی»، «تهاجم فرهنگی»، «جهاد فرهنگی» و «تعامل فرهنگی» را مهم‌ترین کلیدواژه‌های رهبر معظم انقلاب در سال‌های ۱۳۹۳ و بعد از آن باید خواند که ایشان در این محورها، سخنان مفصل و مبسوطی فرمودند و نگرانی‌هایشان را با وجود این، در ماه‌های اول ۹۳ بیشتر بیان شده‌اند، در بخش‌هایی از بیانات

رهبر انقلاب که بر فرهنگ متمرکز بوده، واژه‌های دیگری پررنگ تر به نظر می‌آید.

کلیدواژه مهمی که ایشان در سخنانشان بر آن تأکید داشته‌اند، برشمرده است؛ کلیدواژه‌هایی که به خودی خود، پازلی را تشکیل می‌دهد که نقشه راه فرهنگی کشور در آن نهفته و از این دید، باید ضمن در نظر گرفتن حساسیت‌ها و دقت نظر در ارائه طرح‌های فرهنگی اثربخش و واجد ظرفیت جذب اقبال عمومی، در خطوط مشخص گام برداشت.

تأکید ویژه رهبر انقلاب بر نهاد خانواده و افزایش این نهاد در حکم پایه شکل‌گیری فرهنگ درست، تأکید بر نقش زنان در بهبود فضای فرهنگی کشور به خصوص در مقام مادر، تأکید بر پاسداری از هویت ملی و هویت فردی به عنوان سد محکم در مقابل برخی رفتارهای فرهنگی مخرب وارداتی، تأکید بر تولید داخلی به ویژه در حوزه فرهنگی، خدا محوری و توجه به نگاه دینی در فعالیت‌های فرهنگی به عنوان ستون فقرات یک فعالیت فرهنگی صحیح، قانع نبودن به وضعیت موجود و لزوم کوشش برای تحول فرهنگی عظیم و لزوم مشارکت همه قشرهای ملت در چنین تحولی، برخی مضامین مهم بیان شده در کلام رهبر انقلاب بوده است.

مقام معظم رهبری همچنین بر نقش کارآمد مسئولان در تغییر فضای فرهنگی به اشارات مستقیم و همچنین درباره جایگاه معلم به عنوان یکی دیگر از ارکان موثر در شکل‌دهی به فرهنگ به خصوص برای جوانان و نوجوان همواره تأکید و در ماه‌های یاد شده به اعتدال و میانه روی در عرصه فرهنگ نیز اشاره کرده‌اند و در عین حال بر گسترش نگاه تخصصی و علمی به فعالیت‌های فرهنگی، گسترش فرهنگ مطالعه به عنوان یکی از عوامل بسیار کارساز در پیشرفت ملت‌ها و تأثیرگذار در تولید فکر و اندیشه تأکید نموده‌اند.

بنده اصرار دارم که در محافل تصمیم‌گیری نظام جمهوری اسلامی، یک مقوله مورد توجه قرارگیرد و آن مقوله فرهنگ است؛ به نظر ما مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. اهمیت مقوله فرهنگ از اینجاست. لذا هر آنچه که موجب دغدغه انسان نسبت به آینده کشور و اهداف و آرمان‌های آن می‌شود، همین‌ها موجب دغدغه در مسایل فرهنگی هم می‌شود. (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹، ۹، ۱۹)

۳. توصیه‌های مهم فرهنگی رهبر معظم به مسئولین

اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ

عمومی تا اخلاق و تا رفتار اجتماعی، شامل همه اینهاست؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعا مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر، سینما خوب اگر مراقب نباشد [چه میشود]! بنده طرف دار جزم اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستیم، می‌دانید من اعتقاد راسخ دارم، به آزاد اندیشی؛ متها آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزاد عملی بخواهد ضربه بزند به [کشور]. امروز نیروهای مومن و جوان انقلابی مان، بیشترین کارهای خوب کشور را دارند انجام میدهند، همین دانش بنیان‌ها، همین کارهای گوناگون، همین فعالیتها، اینها بیشتر به وسیله‌ی جوانهای مومن و مانند اینها انجام می‌گیرد. حالا فرض کنیم یک تئاتری یا یک فیلمی تولید بشود که تیشه به ریشه ایمان این جوانها بزند؛ این خوب است؟ این چیزی نیست که انسان از آن احساس خطر بکند؟ دو مقوله است، مقوله آفند و پدافند؛ ما در زمینه فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل می‌کنیم، هم در مورد پدافند ضعیف عمل می‌کنیم؛ به نظر می‌بایست در این زمینه‌ها کار کرد. فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعا به آن پردازیم. محصولات فرهنگی، کتاب، سینما، تئاتر، شعر، مطبوعات و شخصیت‌های فرهنگی؛ فرض کنید که یک شخصیت فرهنگی هست که همه‌ی عمر خودش را در راه انقلاب گذاشته، یک شخصیت فرهنگی هم هست که هر وقت توانسته به انقلاب نیش زده؛ شما رفتارتان با این دو نفر چه جور است؟ شما که مسئول دولتی هستید یا مسئول فرهنگی هستید یا مسئول وزارت مثلا ارشاد هستید یا وزارت علوم هستید یا سازمان تبلیغات اسلامی هستید - فقط مخصوص کارهای دولتی نیست، دیگران هم همین‌طور هستند - یا صدا و سیما، رفتار شما با این آدم چه جور است؟ این خیلی مهم است. آن کسی که عمرش را در خدمت انقلاب و در خدمت دین بوده، آیا این [طور] است که مورد تکریم و ترجیح شما باشد، نسبت به آن کسی که در همه‌ی عمرش حالا یک قدم [هم] در راه دین و انقلاب که برنداشته، گاهی اوقات ضربه هم زده، نیش هم زده؟ خوب، اینها مهم است، اینها نکاتی است که باید به آنها توجه داشت. ما اگر به این نکات توجه نکنیم و بر اثر جو زندگی برویم سراغ مثلا فرض کنید که فلان کسی که از بن دندان با انقلاب اسلامی و با حکومت اسلامی و با نظام اسلامی مخالف است، خوب این خلاف یک حرکت فرهنگی عاقلانه است. بنابراین من، هم معتقدم روحیه آزاداندیشی وجود داشته باشد [هم] برنامه ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد. نه بی برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی، نه جزم اندیشی و تحجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است

که برنامه ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش های خوب، و جلو ضربه ها حملات و مانند اینها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پدافند(بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۹۵/۰۶/۰۲).

و توصیه ایشان در رابطه با مهندسی فرهنگی «الآن باید نقشه مهندسی فرهنگی کشور روی میز آماده باشد و باید روی آن بحث شده باشد؛ کار شده باشد؛ تصمیم گیری شده باشد و نقشه کلان با راه کارها - نه فقط چیزهایی که صرفاً آرزو و آمال است - کاملاً کشیده شده و مشخص شده باشد؛ این حرف اصلی ما به شما دوستان است. این کار بزرگی است و بار سنگینی است؛ باید این بار را بردارید؛ این کار باید انجام بگیرد. این، حرف اصلی ماست که حرف تازه ای هم نبود؛ حرف همیشگی است و تکرار مکررات است؛ متنها بعضی از تکرارها، واجب است؛ مثل نماز صبح»(بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱)

ج) سیاستگذاری های فرهنگی نظام ج.ا.ا در قالب (برنامه های ۴- ۶ توسعه ی)

تعریف: در ساده ترین تعریف می توان گفت، برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا به مجموعه برنامه های میان مدتی اطلاق می شود که به صورت پنج ساله و توسط دولت وقت تنظیم میشود و به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد. این دست از برنامه ها در جمهوری اسلامی ایران که بعد از جنگ ایران و عراق امکان جراء پیدا کرده اند، و تا امروز شش تا برنامه به تصویب و اجراء رسیده اند. فرهنگ یکی از موضوعاتی مهمی است که این برنامه های توسعه ای را دربرمی گیرد. در این پژوهش بطور خلاصه صرفاً به بخش فرهنگی های ۴ تا ۶ توسعه ای پرداخته می شود. ولی برنامه ششم که آخرین برنامه و درحال اجراء و هنوز تمام نشده، در این پژوهش است، سهم بیشتری را شامل می شود.

۱. چگونگی شکل گیری برنامه های پنج ساله توسعه فرهنگی در ایران بعد از انقلاب

تدوین برنامه های توسعه در حالی شکل گرفت که جنگ پایان یافته بود. در چنین اوضاعی که مردم انتظار عمران و آبادانی و رفاه درزندگی فردی و اجتماعی را داشتند و مطالب توسعه یافته آنان باید پاسخ داده می شد، کشور متأثر از تحریم و جنگ هم چنان اوضاع سختی را تجربه می کرد. بندهای مربوط به مسائل فرهنگی این برنامه ها را می توان از اولین تلاشهایی دانست که بر اهمیت فرهنگ و سیاست فرهنگی، تأکید می کند. با توجه به فرآیند جهانی شدن و تهدیداتی که از ناحیه ی

فرهنگی متوجه کشور بود، برنامه ریزان در صدد برآمدند که با اولویت قراردادن نسل جوان، به گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی و تعلیم و تربیت بپردازند اهداف و سیاستهای کلی، اهداف کیفی و کمی این برنامه عبارتند بودند از:

-اهداف کلی: بخش فرهنگی در این برنامه برگرفته از آرمانهای انقلاب، اندیشه های امام خمینی(ره) و اصول قانون اساسی است. پرورش و تعالی انسان و ارزشهای اسلامی، بازیافت مفاهیم ارزشی و فرهنگ و هنر اسلامی و نشر و تبلیغ آن در داخل و خارج، تقویت روحیه ی احترام به قانون و حقوق انسا نها و حفظ آزادی و آزادگی او، و تلاش در جهت تحقق اهداف اصل سوم قانون اساسی.

-سیاستهای کلی: اولویت دادن به کودکان و نوجوانان مناطق محروم در برنامه های فرهنگی داخل کشور و مجامع اسلامی و ایرانیان خارج از کشور، سازماندهی بازار محصولات فرهنگی، بازسازی و توسعه ی ظرفیتهای موجود در صنایع مربوطه و توزیع عادلانه ی امکانات فرهنگی.

-اهداف کیفی: بهبود شاخص های کیفیت بخش فرهنگ، توسعه و اعتلای هنر کشور، تقویت و توسعه ی ایرانگردی و جهان نگردي، صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، گسترش و بهبود پوشش مطبوعاتی و نشریات فرهنگی و رادیو و تلویزیون در جهت ترویج آرمان های انقلاب اسلامی.

-اهداف کمی: حراست از زبان فارسی و گسترش مبادلات اسلامی، توسعه و بهبود شبکه های رادیو و تلویزیون، تبلیغات اسلامی و اداره ی اماکن مذهبی، همچنین توسعه و گسترش برنامه های مربوط به ایرانگردی و جهان گردی، اداره ی امور فرهنگیان خارج کشور و تحقیقات و آموزش(ویلاگ اندیشه اسلامی ۱۳۹۰).

۲. رویکرد قانون برنامه چهارم توسعه به مسایل اجتماعی و فرهنگی

مهم ترین ویژگی برنامه چهارم توسعه بعد از اجرای سه تا برنامه ی قبلی، تهیه و تصویب آن در چارچوب سند چشم انداز بیست ساله، پس از ابلاغ سیاستهای کلی برنامه توسط رهبری است، و در بررسی مواد سیاست های اجتماعی و فرهنگی در قانون برنامه چهارم توسعه، هم چنان نگاه به موضوعات اجتماعی این برنامه دربرگیرنده مسایل رفاهی، بیمه خدمات درمانی، آموزش، سلامت، و عدالت اجتماعی زنان و جوانان دیده می شود و نکته جالب آن که درباره اشتغال در حوزه جوانان بصورت برجسته نسبت به اشتغال سایر اقشار جامعه بحث شده است. و نیز بر نقش زنان در نهاد خانواده تأکید شده است. نکته دیگر این که کسب معرفت و بصیرت را در حوزه معرفت دینی

تعریف و تقویت هویت ملی جوانان را متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی توصیف کرده است؛

– رؤس مهم برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۵ – ۱۳۸۸)

برنامه‌ریزی در زمینه‌ی مشارکت فعال درمجامع بین‌المللی، معرفی جلوه‌های فرهنگی، هنری، ادبی ایران، مکلف بودن دولت به زنده نگه داشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی امام خمینی (ره) و نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها، حفظ هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به خصوص زبان فارسی، مکلف بودن دولت به رویکرد توسعه‌ی پایدار برای تجلی و توسعه‌ی نمادهای هویت ایرانی – اسلامی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی، و در نهایت، تعامل اثر بخش در حوزه‌های فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی، دولت مکلف است نسبت به تعمیق ارزشها و باورهای اسلامی و اعتلای معرفت دینی و بسط فضایل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم و گسترش فعالیت‌های رسانه‌های جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و حمایت از بنیاد پژوهشهای ملی، اقدام نماید؛ همچنین به کارگیری ابزارهای نوین ارتباطاتی مثل اینترنت و استفاده از فضای مجازی در تبلیغات اسلامی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، نیز حمایت از کسانی که سعی در توسعه‌ی فضاهای مجازی فرهنگی دارند، از جمله‌ی وظایف فرهنگی دولت است که در برنامه‌ی چهارم توسعه به آن تأکید شده است. (اسناد توسعه بخشی برنامه‌ی چهارم توسعه، ص ۲۰۷-۲۵۵).

– ارتباط برنامه‌ی چهارم توسعه با سند چشم‌انداز بیست ساله

تحولی که همراه با برنامه‌ی چهارم توسعه صورت میگیرد، تنظیم سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران است که ویژگی‌ها و جایگاه مطلوب ایران را در سال ۱۴۰۴ بیان میکند. عناوین اصلی محور توسعه‌ی فرهنگی در رابطه با جهانی شدن در این سند، عبارتند از: اعتلای عمق و گسترش معرفت و بصیرت دینی بر پایه‌ی قرآن و مکتب اهل بیت (ع) با استوار کردن ارزشهای انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل، سالم سازی فضای فرهنگی، اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، تقویت فناوری نرم افزاری جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. (گرامیان و قوشچی، ۱۳۹۴).

۳. رویکرد قانون برنامه پنجم توسعه به مسایل اجتماعی و فرهنگی

با رویداد تحولات سریع فرهنگی اجتماعی و مانند برنامه چهارم توسعه در چارچوب سند چشم انداز بیست ساله و با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت، ابلاغ شده است. (سایت اینترنتی رهبری، ۸۷/۱۰/۲۱)، در سطح ملی و جهانی و آثار و تبعاتی که در اثر پدیدار شدن شبکه های اجتماعی و فراگیری ارتباطات اینترنتی ایجاد شد، لذا جهت حفظ ارزش های انقلاب اسلامی گامهایی لازم بود که همراه با تحولات جهانی برداشته شود. مسئولان و سیاست گذاران با توجه به این تحولات می بایستی فرض را بر این می گرفتند که برای حفظ ارزشهای انقلاب و ارزش های دینی باید مراکز مذهبی و آموزش های دینی و مراکز توسعه این تحولات تقویت شوند؛ بنابراین، در قانون برنامه پنجم مراکز فرهنگی به صورت شایسته ای مورد توجه قرار گرفتند. بدین ترتیب قانون برنامه پنجم با رویکرد تقویت مبانی دینی، تربیت هیئت های علمی، و افزایش بورسیه های علمی به خوبی نمایان است. حتی در برنامه سامان دهی امور جوانان، ورزش، و سلامت هم موضوع این رویکرد اولویت قرار گرفت.

– رؤس مهم قانون برنامه ی پنجم توسعه ی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۰ – ۱۳۹۴)

این قانون برای تحقق سند چشم انداز ۱۴۰۴ تدوین شده، و با اینکه پایان آن سال ۱۳۹۴ بود ولی با ابلاغ مجلس به دولت پایان آن سال ۹۵ رقم خورد، در این برنامه الگوی توسعه اسلامی- ایرانی، در خصوص نقشه مهندسی فرهنگی کشور که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب می شود، از دولت خواسته شده است، به تهیه طرح های جدید اقدام و به منظور تعمیق ارزشهای اسلامی، دینی و تقویت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از تولیدات فرهنگی و دینی و حمایت های لازم را از بخش های اعم از غیر دولتی حقیقی و حقوقی در تولید و توزیع برنامه رسانه ای و هنری و فرهنگی و آموزشی و علمی اقدام نماید. و به منظور اعتلا و تبیین مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ قران حمایت های لازم را به عمل آورد. و همچنین به منظور توسعه مراکز متبرکه، گلزار شهدا، و تثیت مساجد اقدامات حمایتی لازم را انجام دهد، حمایت از اندیشه های امام خمینی (ه)، و حمایت از تشکل های فرهنگی مذهبی مردمی و انجمن ها و موسسات صاحب کرسی، مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه با تقویت شبکه های ارتباطی اعم از صوتی و تصویری، حمایت از مراکز گردشگری و راه انداز موزه های فرهنگی و نمایشگاههای صنایع دستی، حمایت از ورزش همگانی، حمایت از علم و فناوری و جنبش نرم افزاری و همچنین حمایت از نخبگان علمی، مراکز آموزشی،

آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، حمایت از بهداشت و نظام سلامت، که از جمله‌ی وظایف فرهنگی دولت است در برنامه‌ی پنجم توسعه به آن‌ها تأکید شده است.

۴. رویکرد قانون برنامه ششم توسعه به مسایل اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

رویکرد برنامه ششم در سیاست‌های کلی نظام برپایه‌ی محورهای سه‌گانه‌ی «اقتصاد مقاومتی»، «پیشتازی در عرصه علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» و با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه داخلی و خارجی تنظیم شده است تا با تحقق اهداف برنامه، به ارائه الگوی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت که به کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، کمک کند. (سایت اینترنتی رهبری، ۹۴/۰۴/۰۹)، این برنامه که آخرین برنامه‌ای از برنامه‌های توسعه‌ی پنج‌ساله تا این تاریخ هست، به صورت کامل و با متن منتشره یعنی همراه با مواد و تبصره‌هایش که در قانون برنامه ششم توسعه برای آن اختصاص پیدا کرده، در اینجا درج و شرح داده می‌شود. لازم به یادآوری است

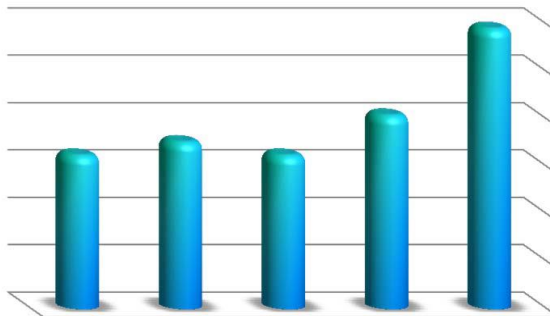
که سالهای اجرایی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه هنوز به پایان نرسیده با محاسبه یک سال تمدید، بیش از یک سال از مدت اجرایی آن باقی مانده است.

– رؤس مهم قانون برنامه‌ی ششم توسعه‌ی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

به منظور ارتقاء، تعالی، مقاوم‌سازی فرهنگی، بسترسازی فرهنگی و دستیابی به سیاست ابلاغی برنامه و اهداف سند چشم‌انداز نظام و اجرای سند مهندسی فرهنگی مبنی بر تحقق توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی و متکی بر حفظ و ارتقای ارزشهای اسلامی، انقلابی و ملی و مردم‌سالاری دینی، اصول و فضائل اخلاقی و کرامت و حقوق انسانی، هویت و انسجام ملی و ایفای نقش کارآمد، اثربخش و متعالی نهادها و تشکلهای مردمی در این عرصه و همچنین حمایت از تولیدات و محصولات فرهنگی، مذهبی و هنری فاخر، صنایع دستی و میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و تقویت ظرفیت آن در تعاملات بین‌المللی و نیز ارتقای جایگاه و منزلت سرمایه انسانی در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی و اصحاب فرهنگ، نخبگان و پیشکسوتان فرهنگ و هنر کشور و «نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی» و احیای موقوفات و پاسداشت منزلت امامزادگان و تقویت و توسعه نهادهای فرهنگی – مذهبی در طول سالهای اجرایی برنامه.

۵. درصد و وزن قوانین برنامه های توسعه ای پنج ساله اجتماعی، فرهنگی نسبت به کل برنامه در قانون برنامه اول وزن مسائل اجتماعی نسبت به کل برنامه حدوداً در قالب تبصره ها ۱۶۲ درصد است؛ به این صورت که، کل قانون برنامه اول دارای ۸۹ تبصره است که ۲۳ عدد آن مربوط به مسائل اجتماعی است؛ قانون برنامه دوم دارای ۱۴۱ تبصره است که ۲۵ تبصره آن مربوط به مسائل اجتماعی است، اما قانون برنامه سوم در قالب ماده تعریف شده و هدف گذاری و ترسیم خط مشی نیز لحاظ نشده که این ها در قالب مقدمه کلی بحث دیده شده است. کل مواد مربوط به قانون برنامه سوم ۱۹۹ ماده است ۱۵ ماده آن به حوزه فرهنگ اختصاص دارد که نسبت مواد مربوط به ۱۶۲ درصد است. قانون برنامه چهارم تقریباً / مسائل فرهنگی، اجتماعی به کل مواد قانون برنامه سوم با همان سبک و سیاق قانون برنامه سوم تدوین شده است، یعنی قانون فاقد هدف گذاری و خط مشی است و کل برنامه در قالب ۱۶۱ ماده تدوین یافته که از این تعداد ۲۹ ماده مربوط به مسایل اجتماعی است؛ البته هر یک از آنها دارای ده ها بند است و در مجموع وزن مسایل اجتماعی نسبت به کل برنامه ۲۰/۴ درصد است. قانون برنامه پنجم نیز / فرهنگی، اجتماعی نسبت به کل مواد قانون برنامه پنجم دارای ۲۵۵ ماده است که ۴۲ ماده آن مربوط به مسائل اجتماعی است، یعنی وزن مسائل ۲۹/۶ درصد است. و قانون برنامه ششم نیز که آخرین برنامه از این سری برنامه هاست دارای ۱۲۴ ماده و در ۲۰ بخش تدوین شده که بخش ۱۷ با ۱۲ ماده کلی به همراه تبصره ها و مواد مختلف آن مربوط به مسایل اجتماعی فرهنگی است، که نسبت به کل برنامه که فارغ از تعداد ماده تبصره ها نسبت به کل برنامه ۹/۶۷ درصد است.

– سهم سیاستهای فرهنگی اجتماعی در سیاست های کلی نظام،
نمودار سهم (درصد) مسایل اجتماعی – فرهنگی از پنج برنامه توسعه



منبع: پایگاه داده های فرهنگی – اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ستون اول از راست	ستون دو از راست	ستون سوم از راست	ستون چهارم از راست	ستون پنجم از راست
نمودار برنامه پنجم	نمودار برنامه چهارم	نمودار برنامه سوم	نمودار برنامه دوم	نمودار برنامه اول توسعه
توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی
۲۹/۶	۲۰/۴	۱۶/۲	۱۷/۶	۱۶/۲

د) ارزیابی و نقد، عملکرد برنامه های چهارم و پنجم و ششم توسعه فرهنگی

۱- برنامه پنج ساله ی چهارم توسعه

در گزارش مرکز پژوهش های مجلس در باره شرایط موفقیت برنامه چهارم توسعه در پاسخ به درخواست حسین فدایی نماینده و عضو کمیسیون ۹۰ مجلس آمده است، با توجه به ماده ۱۵۸ قانون برنامه چهارم توسعه مسئولیت تنظیم شاخص هایی متناسب و قابل مقایسه با شاخص های بین المللی و تهیه گزارش بر مبنای آنها را به منظور ارزیابی میزان پیشرفت کشور به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان نماینده دولت واگذار کرده است. آنها با اعلام حجم این گزارش که ۱۶۰۰ صفحه دارد در آن اعلام شده معلوم نیست که آیا پس از انجام مجموعه این اقدامات، برنامه به اهداف خود رسیده است یا خیر؟ یا میزان دستیابی به هر یک از اهداف ۹۶ گانه به چه میزان بوده است؟ چون که ماده ۱۵۸ برنامه چهارم توسعه مسئولیت تنظیم شاخص هایی متناسب و قابل مقایسه با شاخص های بین المللی و تهیه گزارش بر مبنای آنها را به منظور ارزیابی میزان پیشرفت کشور در چاقوب موازین برنامه، چشم انداز ج.ا.ا و سیاست های کلی نظام در ارائه به مقام معظم رهبری، دولت و مجلس شورای اسلامی قرار داده است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۲/۱۵)

در موردگرایش تهیه کنندگان این برنامه آمده است: تدوین این برنامه با اوج گرفتن گفت و گوی تمدن ها همزمان است؛ لذا وجاهت بیرونی بیش از واقعیت درونی اهمیت می یابد و چهره بین المللی مهم تر از ملی میشود. در همین راستا توجه به تعامل بین المللی در این برنامه افزایش یافته و به ادراک و پذیرش درعرصه بین الملل اهمیت زیادی داده شده است. و رویکرد لیبرالی برنامه چهارم به فرهنگ وقتی مشخص می شود که در آن به تنوع فرهنگی تأکید شده است. جالب است که این برنامه با این رویکردهای خاص نیز اقتدارگراست که این مسئله نشانگر تضاد درونی این برنامه است. البته این گرایش دلیلی فرهنگی و تاریخی دارد و شرایط خاص ایران پس از انقلاب و اینکه برخی فعالان سیاسی تحت تأیر اندیشه های چپ و ضد لیبرال بودند. باعث شد الگوی اقتدارگرا در سیاستگذاری فرهنگی ایران غالب باشد(صفار، ۱۳۸۲، ۱۶۸)

۲- برنامه پنج ساله ی پنجم توسعه: رویکرد آرمان محورانه و تأکید بر میراث معنوی در برنامه پنجم، ناظر به تغییر معنادار و جهت دار برنامه پنجم نسبت به برنامه چهارم است؛ البته این تفاوت با حمایت و پشتیبانی سیاستهای کلی ابلاغی رهبری بیش از برنامه پنجم است (همایون، محمدهادی، فرج نژاد ابرقویی، محمدحسن، ۱۳۹۳/۱۰/۸).

قانون برنامه پنجم عمدتاً آرمان گرایی است و از حوزه عمل و واقعیت بسیار فاصله دارد، شاید به همین دلیل باشد که براساس گزارش مسئولان فقط ۲۵ درصد قانون برنامه پنجم به اجرا درآمده است. نتایج حاکی از آن است که مؤلفه های فوق الذکر دور از ذهن نخواهد بود (بروجردی، اشرف، ۱۳۹۴).

۳- برنامه پنج ساله ششم توسعه: طی گزارش مرکز پژوهش های مجلس چند ایراد کلی بر برنامه پنج ساله ششم می شود که از آن جمله می توان به فقدان ارقام و جداول کمی، مشخص نبودن اولویت و تناسب مجوزها با بحران های اقتصادی و ارتباط ضعیف لایحه با سیاست های کلی برنامه ششم و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره کرد.

گزارش عملکرد قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه کشور در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا پایان شهریور ۱۳۹۹ توسط دیوان محاسبات کشور ارائه شد. بررسی نمونه ۷۷ درصد احکام برنامه ششم توسعه با توجه به پاسخگویی دستگاه ها و آمار در دسترس، از اول سال ۱۳۹۶ تا پایان شهریور ۱۳۹۹ حاکی از آن است که تنها ۳۵ درصد احکام این برنامه کامل تحقق پیدا کرده و ۶۵ درصد احکام، اهداف قانون گذار به صورت ۱۰۰ درصد محقق نشده است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۱۲/۰۳).

۴- ایرادات کلی قوانین برنامه های توسعه ای پنج ساله

به نظر می رسد با گذشت نزدیک به سه دهه از تاریخ برنامه ریزی برای توسعه کشور، هنوز اجماع کاملی بین مسئولین در رابطه با شیوه برنامه نویسی و اجرای آن وجود ندارد. بیشتر برنامه های پنج ساله توسعه در رسیدن به اهداف خود غیر موفق بوده اند و در برخی موارد نیز برنامه های طراحی شده قدرت انطباق با شرایط داخلی و خارجی کشور را نداشته است.

این مسئله ضرورت بازنگری در شیوه های برنامه نویسی و تعیین استراتژی های توسعه را بیش از پیش نمایان می کند و به نظر می رسد که در این برهه نیاز به نقد برنامه های گذشته و تبیین نکات منفی و مثبت آنها به منظور تعیین نقشه راه برای آینده اهمیت پیدا می کند که این مسئله بدون اجماع و اتفاق نظر در بین نخبگان امکان پذیر نخواهد بود. (سایت اینترنتی دیدبان)

۵- کم توجهی به فرهنگ و مسایل فرهنگی در برنامه ششم توسعه

مهدی ناظمی اردکانی می‌گوید: برنامه ششم توسعه همه بُعدی نیست یعنی نسبت به ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، دفاعی، امنیتی توجه لازم صورت نگرفته است. از میان ۳۱ ماده برنامه ششم، ۱۶ ماده مربوط به حوزه اقتصادی، ۲ ماده مربوط به بحث فرهنگ، ۵ ماده به بعد اجتماعی، ۲ ماده به مسائل دفاعی - امنیتی، یک ماده به بُعد سیاسی، یک ماده به بعد ارتباطات، یک ماده به بعد علمی آموزشی و یک ماده علم به بحث نظام اداری، ۲ ماده هم به صورت خیلی کلی مربوط به حوزه مدیریت برنامه است. بنابراین در نظر اول تعادل لازم میان این مواد برنامه و پرداختن به موضوعات مختلف مشاهده نمی‌شود و از جامعیت لازم برخوردار نیست.

ما در سند چشم‌انداز از نظر علمی باید جایگاه بالایی پیدا کنیم هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی مان را باید حفظ کنیم ویژگی‌هایی که برای جامعه در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله دیده شده نزدیک به ۲۵ مؤلفه است که باید مدنظر قرارداد و متناسب با آن در برنامه ۵ ساله ششم اقدامات لازم دیده شده، دستگاه‌های مجری متناسب با آن را مشخص و منابع لازم را تشخیص دهیم مزید بر آن اسناد بالادستی است که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه علمی و فرهنگی کشور مورد تصویب قرار گرفته، سند جامع علمی کشور، سند مهندسی فرهنگی و مصوبات متعدد دیگری که در این رابطه وجود دارد مورد توجه قرار گیرد.

برنامه توسعه را باید برنامه جامعی در نظر گرفت تا همه ابعاد به خوبی با توجه به اسناد بالادستی که تلاش زیادی برای آن صورت گرفته و مورد تأکید رهبری است به صحنه اجرا در آید. ما باید برای تمام طرح‌های کلان‌مان پیوست فرهنگی داشته باشیم و اثرات فرهنگی و اجتماعی طرح‌های کلان را ببینیم در حالی که در برنامه توسعه نشانه‌ای از این موضوع هم دیده نمی‌شود و اگر در برنامه ششم ببینیم در برنامه‌های سالانه نیز مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد. وظایفی که برعهده ما است این است که ببینیم آیا بندهند سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در این برنامه ششم و مواد آن دیده شده است یا خیر که نیازمند یک کار کارشناسی مستقلی است.

قاعدتاً انتظار جامعه این است که قرارگاه علمی و فرهنگی کشور(شورای عالی انقلاب فرهنگی) در مراحل تدوین برنامه‌های کلان توسعه کشور، با توجه به این که مسئولیت سندهای بالادستی حوزه علم و فرهنگ که برعهده این شورا است، بایستی نقش مؤثر و جدی داشته باشد. به نظر می‌رسد دغدغه‌ها، توانمندی‌ها و تعهدی که صاحب نظران و اعضای شورای انقلاب فرهنگی

دارند، به طور کامل در برنامه ششم استفاده نشده است. (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۴/۱۱/۱۲)

از دید تهیه کننده این پژوهش برنامه‌ها و مصوبه‌های بخش فرهنگی در این قوانین پنج ساله‌های توسعه نظام جزء درموردی، از حجم خوبی برخوردار هستند ولی ایرادش این است که این برنامه‌ها به اجرای صددرصدی نرسیده و محقق نشده‌اند. حتی طبق گزارش‌های سازمانهای مربوطه و مسئول (مانند مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات...) نتیجه آن‌ها حتی از پنجاه درصد هم کمتر هستند و ارگانهای پاسخگو در مقابل درخواست گزارش از شرایط موفقیت آنها طفره می‌روند و یا پاسخگویی به آنها را غیر قابل امکان می‌دانند. به عنوان نمونه در برنامه چهارم توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس، در پاسخ به درخواست گزارش یکی از نمایندگان مجلس، با اشاره به چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۰ تنظیم شاخص‌هایی متناسب و قابل مقایسه با شاخص‌های بین‌المللی می‌گوید: تهیه گزارش بر مبنای آنها را به منظور ارزیابی میزان پیشرفت کشور حجیم توصیف کرده، و به این علت قابل وصول نمی‌داند.

نقد و ارزیابی رهبری، از مسایل فرهنگی

۱. **ارزیابی مجدد از فرهنگ:** ما باید مقوله‌ی فرهنگ را از نو ارزیابی کنیم. من به ذهن این‌طور می‌رسد که ما در نظام جمهوری اسلامی، مقوله‌ی فرهنگ را قدری دست کم گرفته‌ایم (در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲۳/۰۹/۷۸).

۲. **از فرهنگ رفع مظلومیت کنید:** نکته دیگری که می‌خواهم سفارش کنم این است که از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس‌جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت‌بندیها این اولویت فدای اولویت‌های دیگر شد... (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت نهم، ۱۳۸۶/۷/۴).

۳. **فرهنگ مغفول واقع شده است:** به نظر من تأثیر فرهنگ، هم به‌عنوان یک عامل اصلی و تعیین‌کننده در رفتارهای فردی و اجتماعی کشور و امتان، هم به‌عنوان یک حامل برای تأثیرات و اثرگذاری‌های سیاسی گرایشهای سیاسی مغفول^۱ عنه قرار گرفته و آن‌چنان که باید و شاید نیست. حرفهایی زده می‌شود، چیزهایی می‌گوییم،... من این‌طور احساس می‌کنم که همه‌ی رفتارهای فردی و جمعی ما به‌عنوان مسئول و رفتارهای ملتمان، تحت تأثیر دو مجموعه عوامل است: یک مجموعه، آن استعدادها و امکانات و این‌هاست، هوش، تواناییها و استعدادهای مردم فرض بفرمایید

یک فرد را که در نظر می‌گیریم، یک قسمت از تلاش و فعالیتش در هر میدانی از میدانها، مربوط به آن استعدادها و تواناییها و ظرفیتهای وجودی خودش یا فضایی است که از آن استفاده می‌کند. بخش دوم، آن عامل مؤثر و جهت‌دهنده‌ی ذهنیت است (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲۳ / ۰۹ / ۱۳۷۸).

۴. انتقاد از وزارت ارشاد: اشتباه دیگر دوستان ما [در وزارت ارشاد] که ریشه در مرعوبیت آنها در برابر غرب دارد آن است که آنها افق حرکت انقلاب و شرایط آماده جهانی را در این عصر احیای معنویت و اضمحلال غرب نمی‌بینند و بالتبع هرگز برای وصول به این غایت تلاش نمی‌کنند. دگراندیشان و روشنفکران سکولار باید آزاد باشند، اما رشد و بالندگی نسل انقلاب نیز مواظبت می‌خواهد. دولت جمهوری اسلامی حقیقتاً به شعار آزادی مطبوعات، نویسندگان و هنرمندان پایبندی اعتقادی دارد، اما دوستان خویش را از یاد برده است و اکنون مجموع سیاست‌های نظام اسلامی کار را به آنجا کشانده که نسل انقلاب در هنر و ادبیات احساس عدم امنیت و بیهودگی میکند (آوینی، سید مرتضی (۱۳۷۰)).

و در بیانات دیگری هم رهبری به صورت غیر مستقیم با اصطلاح‌های تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی را بکار برده اند، ایشان از بکاربردن این اصطلاحات در واقع به مسئولین هشدار و انذار داده و نارضایتی خودش را از مسئولین فرهنگی ابراز می‌دارند. و مکرر در بیاناتشان بر نگرانی‌ها نسبت به حوزه فرهنگ تأکید دوباره داشته‌اند؛ مسأله‌ای که منجر به نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم در این باره و تأکید بر پیگیری دقیق منویات رهبری شد، ولی این نامه‌نگاری و برخی تحرکات رضایت‌بخش نبود و مقام معظم رهبری همچنان راهبردهای مهمی را در حوزه فرهنگ یادآور شدند و ظاهراً این تذکر در دیدار ایشان با شعرای جوان نیز تکرار شده است. می‌توان واژه‌هایی چون «شیخون فرهنگی»، «تهاجم فرهنگی»، «جهاد فرهنگی» و «تعامل فرهنگی» را مهم‌ترین کلیدواژه‌های رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر خواند که ایشان در این محورها، سخنان مفصل و مبسوطی فرمودند و نگرانی‌هایشان را یادآوری شده اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از سخنانش یکبار به صورت ضمنی و یکسال بعد به صورت صریح خبر دادند که نسخه‌ای برای کارهای اصلی و بنیانی در مورد فرهنگ را به مسوولان دولتی داده‌اند که ظاهراً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. چه کسی باید پاسخگو باشد که با نسخه‌ای که رهبر معظم انقلاب در باب فرهنگ داده‌اند چه کرده‌اند و چرا به این توصیه‌ها عمل نشده است و چه وقت و چگونه قرار

است این توصیه‌ها مورد عمل قرار گیرد؟ ایشان همچنین بر این عقیده اند که: البته دولتها همه یک‌جور نیستند؛ بعضیها کند کار میکنند، بعضیها تند کار میکنند، بعضیها همه‌ی نیرویشان را به صحنه می‌آورند، بعضیها آن‌جور نیستند، بعضی ممکن است اشتباهات بکنند، بعضی نکنند؛ اینها همه‌اش قابل اصلاح است؛ ولی جهت‌گیری باید یکی باشد. بنابراین در همه‌ی برنامه‌ریزیها این راه هم ملاحظه کنید. (همان ۱۳۸۶/۴/۹). البته قصورها و کم‌کاریها و یا کندکاریها بیشتر در حوزه اجراء در تمام دوره‌ها وجود داشته، و مطالبی هم که در این پژوهش آورده شد؛ می‌توان اعتراف کرد، برنامه‌های فرهنگی در حجم‌ها و ابعاد خوبی برنامه‌ریزی و برای اجراء به دولتهای مختلف در دوره‌های متفاوت ارائه شده‌اند، وجود داشته‌اند، و رهبری هم بعد از بررسی و تصویب و تأیید در مجلس و شورای نگهبان پای آنها را امضاء نموده‌اند. اما ما در نهایت در جواب فرضیه خود به این جمع‌بندی رسیدیم که هشدارها و تذکرات داده شده توسط ایشان، بیشتر در دوره دولتهای هفتم و هشتم؛ و دوره دولتهای یازدهم و دوازدهم، این تذکرات و هشدارها بیان شده‌اند، حتی مسأله‌ای که منجر به نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم در این باره و تأکید بر پیگیری دقیق منویات رهبری شد یادآور همین دوره هاست.

نتیجه‌گیری

براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری می‌توان نظریه دخالت حکومت در حوزه فرهنگ در راستای نیل به سمت و سوی سیاستگذاری فرهنگی ایده آل و مطلوب در جمهوری اسلامی ایران بدین‌گونه تحلیل نمود:

درباره دخالت حکومت در حوزه فرهنگ، مبتنی بر مبانی نظری پژوهش می‌توان این‌گونه عنوان نمود که دیدگاه نظری دخالت حکومت پیرامون مسایل فرهنگی متأخذ از تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، مشارکت حداکثری مردم در این حوزه است. در این راستا می‌توان این‌گونه بیان کرد که حاکم اسلامی با اتکا به اختیاراتی که دارد می‌تواند به‌طور مستقیم یا با اعطای وکالت یا نمایندگی به افراد در چارچوب موازین شرعی در اداره و مدیریت مسایل فرهنگی مداخله نماید.

پس در نتیجه مقوله فرهنگ در حکومت‌های اسلامی مانند ج.ا.ا باید زیر نظر ولی فقیه و با مشارکت کامل مردم که به سنت‌ها و آداب رسوم احترام کامل دارند انجام شود و تمامی دستگاه‌های کشور متولی مسایل فرهنگ و تمامی دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی در ارتباط با فرهنگ و سیاست

فرهنگی نیز، هماهنگ، منسجم و بدون تزاخم و تعارضی با یکدیگر قرار گیرند و به خصوص حاکمیت و متولیان فرهنگی نیز با ترکیبی از رویکردهای حمایتی، ضمانتی، نظارتی، و اقتضایی را مد نظر خود قرار دهند تا منجر به افزایش مشارکت مردم و افزایش بازدهی سیاستگذاری‌ها در مسایل فرهنگی شود. با این دیدگاه ما در پژوهش حاضر با این سوال اصلی روبرو می‌شویم که "اجرای برنامه‌های فرهنگی چهارم تا ششم توسعه نظام ج.ا.ا. چقدر براساس دیدگاههای مفام معظم رهبری مطابقت داشته است؟" و سوالات فرعی مطرح شده به این صورت است که "۱- سیاست‌های فرهنگی نظام در اسناد بالادستی در قالب برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه‌ای در بخش فرهنگ کدام‌ها هستند؟ ۲- و سیاست‌های فرهنگی مورد نظر رهبری کدامند؟ و آیا این سیاستها منطبق با آراء و دیدگاههای مقام معظم رهبری بوده و هستند یا خیر؟" و البته با این تصورکه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و اسناد بالادستی دیگر در سطح کلان، تا مصوبه‌ی مقام معظم رهبری را نداشته باشند برای اجراء ابلاغ نمی‌شوند. و لذا در جواب سوالات فوق این فرضیه را طرح کرده‌ایم. "با توجه به اسناد پنج ساله‌ای مورد نظر توسعه‌ای بالادستی بخش فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران در مرحله اجرا در برخی از این برنامه‌ها و سیاستگذاریها تناسب بیشتری با آراء فرهنگی مقام معظم رهبری داشته و در برخی از برنامه‌ها با آراء فرهنگی رهبری فاصله زیادی داشته است" فرضیه‌ی مطرح شده ما را بیانات مقام معظم رهبری تقویت و آشکارا به آن صحه می‌گذارد. ایشان در این خصوص فرموده‌اند: "البته دولتها همه یک‌جور نیستند؛ بعضیها کند کار میکنند، بعضیها تند کار میکنند، بعضیها همه نیرویشان را به صحنه می‌آورند، بعضیها آن‌جور نیستند، بعضی ممکن است اشتباهاتی بکنند، بعضی نکنند؛ اینها همه اش قابل اصلاح است؛ ولی جهت گیری باید یکی باشد. بنابراین در همه برنامه‌ریزیها این راه هم ملاحظه کنید. (همان). همینطور که در بخش قبلی بیان شد برنامه‌ها و سیاستگذاریهای فرهنگی قابل توجهی در دستور کار بوده و رهبری معظم هم آنها را تأیید کرده‌اند. اما ما در نهایت در جواب فرضیه خود به این جمع بندی رسیدیم که این برنامه‌ها به اجرای صددرصدی نرسیده و محقق نشده‌اند. حتی طبق گزارش‌های سازمانهای مربوطه و مسئول(مانند مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات...) نتیجه آن‌ها حتی از پنجاه درصد هم کمتر هستند و ارگانهای پاسخگو در مقابل در خواست گزارش از شرایط موفقیت آنها طفره می‌روند و یا پاسخگویی به آنها را غیر قابل امکان می‌دانند، و لذا هشدارها و تذکرات داده شده توسط ایشان، بیشتر در دوره دولتهای هفتم و هشتم؛ و دوره دولتهای یازدهم و دوازدهم، این تذکرات و هشدارها

بیان شده اند، حتی مسأله‌ای که منجر به نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم در این باره و تأکید بر پیگیری دقیق منویات رهبری شد یادآور همین دوره هاست.

راهکارش این است که سیاستگذاری فرهنگی بایستی معطوف به فراهم آوردن شرایط مناسب برای شکوفایی استعداد انسانها و اشاعه خلاقیت و نوآوری باشد و طبعاً چنین امری بدون مشارکت مردم امکان‌ناپذیر نیست و این خود در گرو ارتباط متقابل میان ملت و دولت است دولت زمانی می‌تواند در امور فرهنگی کارآمد باشد که فضائی فراهم آورد تا در آن شهروندان احساس قدرت کنند و باید وزن مسئولیت دولت به نفع افزایش نهادهای غیردولتی کاهش یابد، دولت می‌تواند با فراهم آوردن چارچوب حقوقی، سیستم نظارتی و ارزیابی بستر مناسب را برای فعالیتهای فرهنگی فراهم و از نهادهای مردمی و غیردولتی حمایت کند دولت باید ضمن سیاستگذاری های هدایت کننده و تشویقی در امور فرهنگی میدان را برای اجرای برنامه‌های فرهنگی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه واگذار نماید، نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، حوزه‌های علمیه و انجمن‌های علمی (ناظمی اردکانی و کشاورز، ۱۳۸۵: ۱۴). بایستی بین نهادها و دستگاههای متولی سیاستگذاری فرهنگی به عنوان یک بخش یک رابطه ارگانیک و تعریف شده وجود داشته باشد و از هرگونه تداخل وظایف و موازی کاری ها به جهت اجتناب از هزینه های اضافی ممانعت نمود ضمن اینکه بایستی به همکاری‌های بین‌المللی در عرصه سیاستگذاری فرهنگی با حفظ اصول و آرمان های انقلاب اسلامی به عنوان یک فرصت طلایی نگریست.

در بازخوانی بخشهای دیگری از بیانات مقام معظم رهبری به این نتیجه می‌رسیم که اگرמושکافانه تر به این بخشهاکه بر فرهنگ متمرکز بوده توجه کنیم، واژه‌های دیگری پرننگ تر به نظر می‌آید که اشاره به آنها، در طراحی راهبردهای موثر فرهنگی توسط مسئولان ارشد و پیاده سازی توسط مسئولان میانی کارآمد خواهد بود؛ راهبردهایی که اگر همه جانبه‌نگر باشند، می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد یک تحول بزرگ در حوزه فرهنگ شوند علی‌رغم آنکه انقلاب اسلامی در تقسیم بندی انقلاب های جهان، ماهیتا یک انقلاب فرهنگی به حساب می‌آید ولی شاید بتوان گفت یکی از مغفول ترین و مظلوم ترین حوزه ها در کشور، حوزه فرهنگ بوده است در حالی که اولین بستر و زمینه لازم برای اجرایی شدن آرمان های متجلی شده در سیاست های فرهنگی نظام، خارج شدن فرهنگ از مظلومیت و قرار گرفتن آن در کانون توجه مسئولان اجرایی نظام و محوریت فرهنگ در تصمیم گیری های کلان کشور و حساسیت و دغدغه مسئولین درقبال فرهنگ می باشد. رهبر انقلاب

می فرمایند: "از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید" (همان)

چاره این کار یعنی رفع مظلومیت فرهنگ حتی سیاستگذاری فرهنگی را از مظلومیت خارج کردن آن از سیاست زدگی است و اولویت قرار دادن فرهنگ در سیاستها و برنامه هاست؛ و توجه کردن به دغدغه‌ها و نگرانی‌های رهبری که توأم با هشدار با عنوانهای تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، شبیخون فرهنگی و توصیه‌های رهبری است. به نظر من حتی فرهنگ باید از اقتصاد هم اولویتش بیشتر و جلوتر باشد چون اگر فرهنگ ما درست بشود اقتصاد ما هم بهبود خواهد یافت. والسلام.

منابع

- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران، نشر آن. اسناد توسعه بخشی برنامه‌ی چهارم توسعه.
- ایوبی، حجت‌اله (۱۳۸۹). سیاست‌گذاری در فرانسه: دولت و هنر، تهران، انتشارات، سمت. بارکر، کریس (۲۰۰۴). مطالعات فرهنگی، مترجم، حمیدی، نفیسه، فرجی، مهدی، تهران، نشر پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بروجردی، اشرف (۱۳۹۴). سهم سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی در سیاست‌های کلی نظام، اسناد بالادستی و قوانین برنامه در جمهوری اسلامی ایران، جامعه پژوهی فرهنگی، ۳۶ (۳)، ۱۹ - ۱۹.
- بروجردی، اشرف (۱۳۹۴). سهم سیاست‌های فرهنگی اجتماعی در سیاست‌های کلی نظام، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ (۷۸/۰۹/۲۳).
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام ۸۶۷/۹.
- بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت، (۱۳۹۵/۰۶/۰۲)
- حسینی، سید احمد (۱۳۸۴). طرح ساماندهی فعالیتهای فرهنگی دستگاها و نهادهای دولتی فرهنگی، تهران، کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۲/۱۵
- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۱۲/۰۳
- سادات گرامیان، سعیده، قوشچی، محمدرضا (۱۳۹۴). جهانی شدن و مواضع فرهنگی ج.ا.ا از منظر نظریه ساختار - کارگزار (مقایسه سه دولت اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد)، تهران، مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۱۹ (۶)، ۱۳۱-۱۶۶.
- سایت اینترنتی دفتر مقام معظم رهبری www.KHAMENEI.IR
- شریفی، سید علیرضا، فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)؛ مجلس و راهبرد، ۱۹ (۶۹)، ۵۵-۹۰.
- صفار، محمد (۱۳۸۲). حدود دخالت دولت در فرهنگ (با تأکید بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران پس از انقلاب اسلامی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ناظمی اردکانی، مهدی، کشاورز، سوسن (۱۳۸۶). مبانی نظری مدیریت تحول فرهنگی در ایران، اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی.

الوانی، سید مهدی و شری فزاده، فتاح (۱۳۸۸). فرآیند خط مشی گذاری عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

ویلاگ اندیشه اسلامی (۱۳۹۰). قانون برنامه های پنج ساله توسعه ای کشور.

وحید، مجید (۱۳۸۲). سیاستگذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران، انتشارات باز.

همایون، محمدهادی و فرج نژادابرقویی، محمدحسن (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی سیاست های فرهنگی ج.ا.ا در

سطوح کلان و میانی (مطالعه سند اصول سیاست فرهنگی ج.ا.ا و برنامه های چهارم و پنجم توسعه)، دین

و سیاست فرهنگی، ۱(۳)، ۷-۳۲.

یونسکو در سند کنفرانس جهانی سیاست گذاری فرهنگی (مشکلات و چشم اندازها، مکزیکوسیتی ۱۹۸۲).